

همیشه‌ری

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛ از کسانی مباحث که بی عمل، به آخرت امید دارند.

■ آذان ظهر: ۱۳:۰۰ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۱۵
■ آذان مغرب: ۱۹:۳۳ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۸
■ آذان صبح فردا: ۵:۲۱ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۴۶

■ صاحب امتیاز: مؤسسه مشهری
■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی
■ مدیر: دانیال معمار

■ پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ تلفن: ۶۹۲۳۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروزین
■ تلفن: ۶۹۲۳۰۰۰

■ چاپ: مشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
■ کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶-۱۹۳۵۱۵۴۴
■ تلفن: ۲۳۰۳۳۰۰۰، فکس: ۲۳۰۴۰۶۷۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir



هنر بزرگ به خود نگرفتن

عبیسی محمدی
روزنامه‌نگار



یکبار در یکی از کتاب‌هایی که مربوط به رویدادهای صوفی مسلکانه و عرفانی شرق بود، به نکته جالبی برخورد کردم. نویسنده که خود از صوفیان بود، اشاره می‌کرد تمرینی هست که دیگران هم می‌توانند انجام بدهند. اما این تمرین چه بود؟

این که یک‌جایی آرام بنشینید و تصور کنید که کجا هستید؛ یعنی تصور کنید که در این خانه هستم و در این خیابان هستم و در این شهر. یعنی وقتی که از بالا به‌خودتان نگاه می‌کنید، تصویر آدمی را دارید که در خانه خودش نشسته؛ خانه‌ای که در خیابانی واقع شده و خیابانی که در شهری واقع شده و شهری که در استانی واقع شده و استانی که در کشوری و کشوری که در قاره‌ای و قاره‌ای که در کره‌ای واقع شده به نام کره زمین. حالا تصور کنید این خانه‌ای که شما در آن حضور دارید و با محوریت شما دارد کدام می‌گیرد و اداره می‌شود، شما را در دل خودش ندارد. ترسناک است، نه؟ اما از این مرحله و مرز ترسناک بودن که عبور کنید، می‌بینید که کم‌کم با این واقعیت می‌توانید کنار بیایید. یعنی این خانه بدون شما هم می‌تواند به راه خودش برود. بعد خانه‌ای را تصور می‌کنید که هست و دارد به زندگی‌اش ادامه می‌دهد، ولی شما در آن نیستید؛ شما می‌کنید که در آن خیابان هم نیستید و در آن شهر و استان... هم نیستید. اما قار است که با چنین تمرینی به کجا برسید؟ به اینکه مقداری از اهمیت شخصی خودتان را از دست بدهید. یعنی اینکه در یک کنده واقعا جهان و شهر و خیابان و خانه و حتی خانواده نیز، بدون شما می‌توانند به راه خودشان ادامه بدهند. البته که تصورش کمی سخت است، اما همه اینها شدنی است و بدون شما هم اتفاق خواهد افتاد.

وقتی که شما اهمیت شخصی خودتان را کم‌کم از دست می‌دهید، متوجه می‌شوید که به‌ل، واقعا محور همه‌چیز نیستید. خیلی از ناراحتی‌هایی که انسان تحمل می‌کند، بابت آن است که تصور می‌کند خیلی مهم است و محور همه‌چیز است. همین باعث می‌شود تا همه‌چیز را به خودمان بگیریم. یعنی هر رفتار و تنش و مشکل و بحرانی که اتفاق می‌افتد، آن را به نوعی به خودمان می‌گیریم. اما چرا؟ به همان دلیلی که گفتیم؛ اهمیت شخصی بالا. در واقع شما حجم زیادی از خودبیزر گیبینی را در درون تان دارید. اما هر درحالی که از حیث واقعی، ما واقعا فرقی با فلان شیء و فلان سنگ کنار جاده و فلان گیاه نداریم و برای طبیعت و پیرامون من، نسبت با آنها از یک اهمیت برخوردار هستیم. اما به قدری خودبیزر گیبینی داریم که تصور می‌کنیم، این طوری ما هم نیست و ما به نوعی محور همه‌چیز هستیم. نتیجه چنین دیدگاهی، آن است که به راحتی از همه‌چیز نراحت می‌شویم و به ما بر می‌خورد؛ درحالی که شاید خیلی از این موارد اصلا دخلی به ما نداشته باشد و صرفا ناشی از شرایط نامساعد ایجادکنندگان چنین رفتارهایی است؛ نه شرایط نامساعد ما.

این جاست که به هنر بزرگ «به‌خود نگرفتن» می‌رسیم. قاعده‌اش هم خیلی مشخص است؛ شما در موقعیتی هستید که آن تنش و آن بحران و آن توهین و هر چیز دیگر در آن اتفاق می‌افتد. حالا اگر در این موقعیت، عنصری به نام من و شما را بردارند و به جایش یک نفر دیگر را بگذارند، چه خواهد شد؟ غالباً چنین تنش‌ها و بحران‌ها و گرفتاری‌هایی باز هم ایجاد خواهد شد. اگر فقط به این فکر کنید که چه شما باشید و چه نباشید، این گرفتاری‌ها اتفاق خواهند افتاد، به این درک بزرگ خواهید رسید که به‌ل، من محور و باعث و بانی این گرفتاری‌ها نیستم و اساسا در آن موقعیت، این گرفتاری و ایجاد آن اجتناب‌ناپذیر بوده است. با همین درک عظیم، به آرامشی عظیم هم می‌رسید؛ آرامشی که نشان می‌دهد نباید خیلی از چیزها را به خودتان بگیرید و نباید اساساً چنین سطحی از خودبیزر گیبینی را داشته باشید. به‌نظر من چنین درکی برای جامعه امروز ما نیز به‌شدت لازم و ضروری است. به قول مصطفی ملکیان، نظرات دیگران درباره ما بیش‌تر دارد؛ واقع‌دآوری و ارزش‌داری، بالای ۹۰ درصد که همین ارزش‌دآوری‌ها هستند؛ یعنی برخاسته از ارزش‌های دیگران هستند و ارتباطی به ما ندارند. درصد کمی از آنها در واقع دآوری هستند که می‌شود به آنها اعتنا کرد. در این صورت، ما به نوعی به هنر عظیم دیگری دست پیدا کنیم؛ هنر «بی‌خیالی مقدس». اینکه بیشتر نظرات و دآوری‌های دیگران ارتباطی به ما واقعیت ندارد؛ برخاسته از ارزش‌های درونی خود افراد است و غالباً می‌شود به آنها بی‌اعتنا بود. تر کیب این دیدگاه و هنر به‌خود نگرفتن، اساساً می‌تواند ما را در بفرنج‌ترین وضعیت‌ها نیز آرام نگه دارد؛ اینطور نیست؟

بوک مارک

خیانت

پائولو کولینو
دنیای کنونی ما پر است از مردمی که در لحظه‌ای بی‌نهایت سخاوتمندند اما بعد خشمشان را روی ضعیف‌تر از خود خالی می‌کنند. مردم به طرز فزاینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی شده‌اند. واقعا برای این افراد چه اتفاقی می‌افتد؟ افرادی که فکر می‌کنیم آنها را می‌شناسیم، چرا این قدر پرخاشگرانه رفتار می‌کنند؟ آیا ناشی از استرس کاری است؟ فرادایش دوباره عادی و طبیعی رفتار می‌کنند و با آنها احساس راحتی می‌کنیم. اما خیلی زود می‌بینیم که زیر پایمان را خالی کرده‌اند، آن هم وقتی که انتظارش که زیر پایمان را خالی کرده‌اند، آن هم وقتی مشکل او چیست، متحیر از خود می‌برسیم آیا کار اشتباهی انجام داده‌ام؟

دیالوگ

شام آخر

فریدون جیرانی
تو نخستین کسی نیستی که فرصت سخن گفتن را از من گرفتی!... فرصت از عشق گفتن را، فرصت بودن را، پیش از تو هم نزدیک‌ترین کسانی مرا بی‌عشق می‌خواستند!... آنها هم مانند نمی‌دانستند که هر گاه درون زنی از باور عشق خالی شد، جایگاه کینه و نفرت و خودخواهی می‌شود... تو از من می‌خواهی، همه‌چیزهای زمینی را باور کنم... تو از من می‌خواهی روی زمین بایستم... اما از عشق زمینی بگریزم!...

منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کارساز بنده نواز حافظ

صفحه آخر

تقویم / سالم‌رگ

مبارزی از آذربایجان



منتخب اول تبریز در مجلس دوم، کسی بود که مردم نخستین بار او را در کنار ستارخان و باقرخان دیده بودند؛ شیخ محمد خیابانی. آن روزها روسیه به ایران اولتیماتوم داده بود که موثرگان صنعتی صنایع هوانوردی و سوخت‌های فسیلی اینکته می‌آیند تهران را می‌گیرند. خیابانی و مدرس و خیلی‌های دیگر هم گفتند که اخراجش نمی‌کنیم؛ چرا باید حرف‌زور را گوش کنیم؟ دولت هم مجلس را تعطیل کرد.

محمد خیابانی سال بعد برای دفاع از آزادی، حزب دمکراتیکسی راه انداخت که مقررش عالی قاپو بود. در مجلس چهارم، ۶ کرسی از ۹ کرسی تبریز را دمکرات‌ها گرفتند. این بار انگلیس انتظار داشت که موافقت ۶ ماده قرار داد ۱۹۱۹ را که ضامن تمام منافع انگلیس در ایران بود، از مجلس بگیرد. «امادامی که قرار داده به تصویب مجلس نرسیده، ورق به‌سازهای بیش نیست»، و نوق الدوله این خبر را که دید، خوش به جوش آمد و نظامی‌ها را به سراغ فرقه دمکرات فرستاد. دمکرات‌ها هم اعلام قیام کردند، اول تبریز، بعد تهران. «آزادی خواهان! روز فداکاری است. آزادی و استقلال وطن در خطر است. آذربایجان را از افتخارات انقلابی که صفحات تاریخ را نقش زده است، شما را به قیام دعوت می‌کنند، به پا خیزید! که تهران ریزه‌سیرل از تراجاع و وطن فروشی است.» قیام قوی تر از آن بود که فزاق‌ها با تمام زورشان بتوانند سرنگونش کنند و اگر خیانت مخبرالسلطنه و روسای ژاندارمری نبود، شاید تاریخ اینقدر شرم‌زنده نمی‌شد؛ عالی قاپو تسخیر شد و خیابانی به ناگزیر خود را در خانه یکی از دوستانش پنهان کرد. این طوری مثل دو بار قبل شاید می‌توانست دوباره قیام را زنده کند. اسماعیل فزاق با چندین همراه آمدند تو، دوروزی می‌شد که شیخ در آن خانه بود. آنها همه جا را گشتند و خیال همه داشت راحت می‌شد که رفتند توی زیرزمین لفظاتی بعد صدای چند تیر آمد و قیافه اسماعیل فزاق شاد شد؛ آنها جسد خون آلود شیخ را انداختند روی نردبان و آن را بردند تا مقر مخبرالسلطنه.

در هارلم اتفاق می‌افتد

ایده مخالفت کرده‌اند.

به‌گفته سازمان ملل، دام‌ها بیش از ۱۴ درصد از گاوهای گلخانه‌ای تولید شده توسط دست بشر، به‌ویژه گاز متان را تولید می‌کنند و اجرای این طرح گام مؤثری در راستای کنترل تغییرات آب و هوایی است.

«زیگی کلاز»، یکی از اعضای حزب سبز GroenLinks - پیشنهاد دهنده طرح ممنوعیت تبلیغ محصولات گوشتی - به روزنامه ترووی می‌گوید: «گوشت برای محیط‌زیست بسیار مضر است. ما نمی‌توانیم به مردم بگوییم که با بحران آب و هوایی روبه‌رو هستیم؛ اما از سوی دیگر خرید محصولات آب‌تولیدکنیم که بخشی از ایجاد این آلودگی است.» البته هنوز مشخص نیست که در این شهر ۱۶۰ هزار نفری تبلیغ همه انواع گوشت متوقف خواهد شد یا نه. «هرمان بروینگ»، حقوق‌دان از دانشگاه گرونینگن هلند می‌گوید: «این ممنوعیت می‌تواند آزادی‌بیان را

مختاب خسروشاهی
روزنامه‌نگار

حدافل برای یکبار هم که شده، به‌دنبال دیدن تبلیغات، به‌ویژه در ساره تبلیغات خوش آب و رنگ محصولات غذایی، به مصرف یکی از آنها تشویق شده‌اید. کشور هلند، قرار است مانع از این ذوق‌زدگی و تأثیرپذیری شود؛ چرا و چطور؟ قرار است از این به بعد، در شهر «هارلم» در کشور هلند، تبلیغات گوشت در فضای عمومی، به هر شکل، ممنوع شود. دلیل آن هم تأثیر منفی تولید محصولات گوشتی روی تغییرات آب و هوا اعلام شده است. با این ممنوعیت که قرار است از سال ۲۰۲۳ میلادی به اجرا درآید، شهر هارلم نخستین شهر در جهان خواهد بود که تبلیغات گوشت و محصولات گوشتی در آن ممنوع شود. این درحالی است که بسیاری با این

اول آخر

جمع آوری سبب زمینی در همدان ■ عکس: ایمان حامی‌خواه



بلندترین آسانسور در فضای باز



بلندترین آسانسور در فضای باز جهان ممکن است ۲ دهه عمر داشته باشد، اما مانند همیشه محبوب است و مناظر سریع و بی‌دردمی از پارک ملی را ارائه می‌دهد که بسیاری معتقدند الهام بخش مناظر باورنکردنی فیلم «آواتار» ساخته سال ۲۰۰۹ میلادی است. به گزارش از سی‌ان‌ان، پارک جنگلی ملی ژانگ جیاجی در هونان چین به‌دلیل شکل ستون مانند و سر به فلک کشیده‌اش مشهور است و شباهت قابل توجهی به منظره شناور پاندورای دنیای بیگانه دارد که در آن فیلم دیده می‌شود. آسانسور شیشه‌ای بایلانگ با ارتفاع ۳۲۶ متر در کنار صخره‌ای در پارک ملی ساخته شده و مناظر خیره‌کننده‌ای را ارائه می‌دهد. این آسانسور از ۳ آسانسور دو طبقه‌ای تشکیل شده است که هر کدام می‌توانند ۴۶ بازدیدکننده را در کمتر از ۲ دقیقه در هر سفر به بالای کوه منتقل کنند.

ما داریم می‌آییم



مادر مسیر حسرتیم

رضا ظریفی

گوش می‌کنم. کاری هم ندارم که نتیجه بر جام چه شد و دلار چقدر خواهد ریخت؟ عاشقین کران می‌شود یا کرایه خانه ارزان، پای تلویزیون هم دنبال برنامه‌های پخش زنده از اربعین هستم. بین اینها هم صفحات و حساب‌های مجازی دوستانی که قدم در راه گذاشته‌اند از چک می‌کنم و مدام برایشان پیام می‌فرستم تا در کنار قدم‌زدن هایشان، شاید من را هم در کنار این حسرت‌ها خیلی هم یاد به یاد بیاورند. این را هم بگویم که در کنار این حسرت‌ها خیلی هم یاد «روح‌الله و جایی» می‌اقتم. همان یک‌باری که برای نیمه‌شعبان با هم همسفر بودیم و چند کیلومتر تا کر بلا را پیاده‌روی کردیم کافی است تا برای همیشه اگر زیارتی تصمیم شد به یادش باشم.

اما فعلا در خیال و آرزوهایم همراه زائران اربعینی هستم. مثل تمام این سال‌ها حسرت شاهد حضور میلیون‌ها نفر در مسیر راهیمایی اربعین هستم و می‌بینم که چطور این همه زن و مرد و کودک بزرگسال در مسیر مشابه در کنار هم قدم بر می‌دارند، آن هم به عشق زیارت چند دقیقه‌ای و چند ساعته حضرت ابا عبدالله (ع). همه اینها واقعا ر شک‌برانگیز هستند با وجود این «من به جاماندم از این قافله عادت دارم.»

قصه شهر

یکی از ۳ شگفت‌انگیز



به فیلم‌های ژاپنی داشتند و لونه مشخصاً این فیلم را بر اساس فیلم کوروسا ساخته است. این فیلم بعد از اکران موفق در ایتالیا و آلمان، در آمریکا و دیگر کشورها هم فروشی خیره‌کننده داشت. موفقیت جهانی این فیلم، باعث شد تا لونه ۲ دنباله دیگر سینما را در سطحی جهانی محبوب کرد، وسترن اسپاگتی، نوع خاصی از سینمای وسترن بود که داستان‌های متفاوت و بدیعی داشتند در ایتالیا و اروپا تولید می‌شد و نامش هم به همین خاطر اسپاگتی (غذای معروف ایتالیایی) خوانده می‌شد. کارگردان در این سبک فیلمسازی، وسترن که سنتی‌ترین و مینیمال‌ترین ژانر سینمایی آمریکایی بود را با مفاهیم و تعاریف جدید ساختند و بیشتر در ایتالیا جهانی هم رسیدند.

یکی از ویژگی‌های وسترن‌های اسپاگتی، موسیقی‌های متفاوت و سنت‌شکن آنها هستند. سرشناس‌ترین آهنگساز این فیلم‌ها که همکاری‌های زیادی هم با لونه داشته و تقریباً به اندازه خود او نماد وسترن اسپاگتی به شمار می‌آید، اینو موریکونه است. منتقدان ایرانی در زمان تولید فیلم‌های لونه، اقبال چندانی نسبت به این فیلم‌ها نشان نمی‌دادند و آنها را زیر نظر غیرجدی می‌دانستند. با این حال در غرب اینطور گفته می‌شود که وسترن اسپاگتی، چرا که تولید وسترن را احیا کرد، تا پیش از شروع تولید وسترن‌های اسپاگتی در ابتدای دهه ۶۰ میلادی، رونق تولید وسترن از بین رفته بود. بسیاری از ستاره‌های وسترن‌های ایتالیایی و اروپایی، بعد از رونق گرفتن دوباره ساخت فیلم‌های وسترن، به آمریکا آمدند و این بار وسترن را در خانه‌اش برای آمریکایی‌ها تولید می‌کردند.



شهردار پاریس، بابا برقی برج ایفل



شهردار پاریس طی اظهاراتی اعلام کرد که پروژکتورهای استفاده شده برای نورپردازی در برج ایفل به‌عنوان بخشی از اقدامات پایتخت فرانسه برای صرفه‌جویی در انرژی در بچپوچه افزایش هزینه‌های سوخت و بحران هزینه‌های زندگی در سراسر اتحادیه اروپا خاموش خواهند شد. مجله فرانسوی «لژورنال دو دیمانش» گزارش داد که آنه هیدالگو، شهردار پاریس طی چند روز آینده برنامه خود را برای کاهش مصرف انرژی ارائه خواهد کرد. طبق گزارش‌ها، این بسته اقدامات شامل خاموش کردن ۳۳۶ پروژکتوری است که به‌نماد برجسته پاریس و فرانسه یعنی برج ایفل درخشش خاصی در شب می‌بخشد و این امر هرروز ۷۵ دقیقه زودتر از زمان معمول صورت خواهد گرفت. انتظار می‌رود این برج ۳۳۰ متری در ساعت ۱۱:۴۵ شب به وقت محلی (۱۰:۴۵ به وقت گریونچ) تاریک شود، زمانی که آخرین بازدیدکنندگان آن را ترک می‌کنند. این اقدام بیشتر دارای ارزش نمادین است. ژان فرانسوا مارتین، رئیس انجمن بهره‌داری از برج ایفل (SETE) گفت: صرفه‌جویی در انرژی خیلی خارق‌العاده نخواهد بود، اما الگویی برای دیگران خواهد بود. نورپردازی شبانه این بنای تاریخی که روزانه بیش از ۲۰ هزار نفر از آن بازدید می‌کنند، ۴ درصد از مصرف انرژی سالانه آن را تشکیل می‌دهد.

